

هر وقت به امير المومنين فكر مي كنم به خاطر مظلوميت ايشان گريه ام مي گيرد + فيلم (قسمت سوم)

پدرم خواست سر مرا ببرد اما چاقو نبريد ، خواست رگ دستم را بزن اما باز نبريد ، چاقوي
ديگري آوردند و رگ من را زدند....